



قانونی برای

کاهش جمعیت زندان‌ها

با تصویب لایحه قضا‌دایی در مجلس از ورود سالانه ۲میلیون پرورنده کیفری به محاکم جلوگیری می‌شود

۱۰



«داستان موفقیت»

استارت‌آپ‌های ایرانی

ورود استارت‌آپ‌ها به بورس یک نقطه عطف در اکوسیستم فناوری کشور است

۱۱



راه‌حل تازه برای گره‌گشایی از خط پرند

شهرداری تهران مسافروگیری آزمایشی از حمل‌ونقل ریلی تهران-پرند در دهه فجر را در دستور کار قرار داد

۱۲

همیشه بدکار



رودر رو با فداکاران

۳برگزیده تندیس ملی فداکاری، از کار داوطلبانه در روزهای اوج همه‌گیری کرونا می‌گویند

مزرارش مرضیه موسوی روزنامه‌نگار

روزهای نخست شیوع کرونا در کشور را یادتان هست؟ همان روزهای سختی که شهرها در قرنطینه، به شهر مردگان می‌مانست و هیچ‌کس تمایلی به حضور در خانه اقوام و دوستان را نداشت؛ چه برسد به اینکه خبر می‌رسید کرونا فلانی را زمینگیر کرده و کسی را برای مراقبت نداد. اغلب خانواده‌هایی که در پیک‌های کرونا به این بیماری دچار شدند، عمق تنهایی آن روزها را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده‌اند. جای خالی کسی که یک لیوان آب به‌دست بیماران مبتلا برساند را اغلب افرادی که در این دوران با کرونا دست و پنجه نرم می‌کردند حس کرده بودند. کم نبود تعداد بیمارانی که به‌دلیل نبود همین مراقبت‌ها و تنهایی، خود را به ویروس مرگبار کووید- ۱۹ تسلیم کرده و توان مبارزه با آن را از دست داده بودند.

علاوه بر تیم‌های پرستاری و کادر درمان، گروه‌های کوچک و بزرگ داوطلبی در این روزهای پر وحشت تصمیم عجیبی گرفتند؛ تصمیم به مراقبت از بیماران مبتلا به کرونا که احتمالاً به تنهایی نمی‌توانستند از پس این ویروس و غلبه بر آن بر بیایند. جشنواره ملی تندیس فداکاری، امسال قهرمانان جوان کشور را از میان این داوطلبان انتخاب کرده؛ قهرمانان دوران پاندمی.

مجازی شدن کلاس‌های درس مدارس در شهرها و روستاهای محروم، دانش‌آموزان را در این مناطق با اضطراب بیشتری روبه‌رو کرده بود؛ نداشتن گوشی هوشمند برای استفاده از کلاس‌های مجازی، بی‌سواد بودن والدین و عدم توانایی استفاده از گوشی هوشمند سد بزرگی برای این دانش‌آموزان به‌خصوص در مقاطع ابتدایی به‌وجود آورده بود. «الهام ابراهیمی» دانشجوی اهل سنندج که سال‌ها از آغاز فعالیت‌های داوطلبانه‌اش می‌گذرد می‌گوید: «شرایط اجتماعی و اقتصادی در برخی مناطق حاشیه‌ای کردستان بسیار وخیم است. والدین عمدتاً سواد ندارند، برخی دچار سوء‌مصرف موادمخدر هستند یا زوجین از هم جدا شده و کودکان حامی محکمی ندارند. خیلی از این افراد یا گوشی هوشمند ندارند

یا بلد نیستند که چگونه باید از برنامه‌های آموزش مجازی استفاده کنند. به‌همین دلیل به جرات می‌توان گفت که تمام دانش‌آموزان در این محله‌ها به کمک تحصیلی نیاز دارند.» فعالیت او و دیگر اعضای کانون دانشجویی برای کمک‌های تحصیلی به دانش‌آموزان مناطق محروم در کرونا از اینجا آغاز شد. دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی را می‌دید که حتی نمی‌توانستند شماره صفحه‌ای که قرار است تدریس شود را پیدا کنند. برگزاری

کلاس‌های خصوصی برای این دانش‌آموزان

نخستین قدم بود. پیش‌ترت تحصیلی این دانش‌آموزان تنها بعد از گذشت یک ماه از آغاز کلاس‌های خصوصی آنقدر مشهود و مشخص بود که بی‌برو برگرد او را به ادامه فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه آموزش تشویق می‌کرد.

این دانشجوی داوطلب برگزیده تندیس فداکاری می‌گوید: «دانش‌آموزانی داشتیم که میانگین نمره‌هایشان از ۱۱ بالاتر نمی‌رفت اما امتحانات نیم‌ترم اول را با نمره ۱۷ و ۱۸ میان بیشترین اسب‌ها را از این پاندمی دیده بودند.

سال گذشته ۹۰۰ دانش‌آموز محروم از گوشی و تبلت را به کمک دیگر داوطلبان سنندج، به چرخه آموزش برگردانده و کلاس‌های درس خصوصی‌شان را با حضور یک تا هفتر دانش‌آموزان هم‌سن در مساجد، حسینیه‌ها، سرای محله‌ها و یا خانه‌های هلال برگزار کرده است.

کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و

کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و

کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و

کمک به تحصیل دانش‌آموزان در مناطق محروم در دوره کرونا، او را با خانواده‌های آسیب‌دیده‌ای در حوزه آسیب‌های اجتماعی از عمق تاز‌های بخشید. الهام ابراهیمی می‌گوید: «متأسفانه در این مناطق ما با آسیب‌دیده‌ای در حاشیه شهر آشنا کرد و

بیماران سخت بود و ما با دور کردن اعضای خانواده از کانون بیماری، مجبور بودیم این سختی را به تنهایی به دوش بکشیم. برخی از اعضای خانواده این سالمندان به بیماری‌های خاص مبتلا بودند و برخی دیگر به‌دلیل مشغله‌هایی که داشتند امکان نگهداری شبانه‌روزی از سالمندان مبتلا را نداشتند.» مراقبت‌هایی که در نهایت منجر به ابتلای خود او به کرونا هم شد اما مجتبی سسرافراز معتقد است تحمل این سختی‌ها به نتیجه‌ای که داشت می‌ارزید چرا‌که از رنج افراد مبتلا و خانواده‌هایشان کم می‌کرد.

شیوع کرونا به‌خصوص در شهرستان‌ها و روستاهای محروم کشور با کاهش درآمد مردم و بروز مشکلات معیشتی فراوانی همراه بود. به‌طوری‌که مردم برخی روستاها حتی از عهده تامین اقلام بهداشتی اضطراری هم بر نمی‌آمدند. در همین دوران بود که مجتبی سسرافراز به کمک دیگر دوستان داوطلبی به این روستاهای شهرستان یاسوج سرکشی می‌کردند و بسته‌های غذایی و اوراق و اقلام بهداشتی بین خانواده‌های نیازمند توزیع می‌کردند. او معتقد است نشاط اجتماعی در گروه سلامت عمومی جامعه است. برای همین هم اغلب فعالیت‌های داوطلبانه‌اش را از نوجوانی تاکنون روی همین موضوع متمرکز کرده است. این برگزیده جایزه تندیس ملی فداکاری می‌گوید: «تصمیم دارم عمده فعالیت‌های داوطلبانه خودم را با تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی دنبال کنم.»

او به تجربه‌ای اشاره می‌کند که از ۴سال پیش با مطالعه روی محله‌های محروم و حاشیه‌ای شروع شد. حالا در یکی از محله‌های پر آسیب شهر خود به‌دنبال ایجاد اشتغال پایدار و کارآفرینی است و می‌گوید: «طلی مطالعات گسترده در محله فوق‌الذکر متوجه شدیم گروهی از زنان به دلیل فقر و عدم حمایت اجتماعی برای تامین هزینه‌های زندگی به اعتیاد و فروش موادمخدر روی آورده بودند. در جایی که مرشدی مهارتی آموزش ندیده‌اند و البته شرایطی برای اشتغال آنها فراهم نشده باشد ماچ‌به‌با چنین موضوعی بسیار شایع است. به‌هر حال در قالب یک کار گروه با یکی از خیریه‌های حوزه اجتماعی و زنان موفق شدیم

در سازندگی، آبادانی و محرومیت‌زدایی کشور، انجام فعالیت‌های داوطلبانه در حوزه‌های سلامت و توانبخشی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه در زمینه حفاظت از محیط‌زیست از مصادیق هفت‌گانه فداکاری تعریف شده است.» قرار بود تا یازدهمین آیین این جشنواره در ۱۴۰۰ برگزار شود. اما شرایط خاصی که شیوع کرونا در کشور آن را رقم زده بود، باعث به تعویق افتادن آن شد. جشنواره تندیس فداکاری در یازدهمین دوره برگزار می‌شود. تمرکز بر روی فداکاری‌های قهرمانان اجتماعی‌ای گذاشت که برای گذار از دوره پاندمی و کمک به بهبود مشکلاتان قدیمی برداشته بودند. همچنین در میان کاندیدهای این تندیس و تقدیرشدگان، جوانان دانشجویی به چشم می‌خوردند که در دوره ابتلای والدین، از کودکانشان مراقبت و به وضعیت تنهایی رسیدگی می‌کردند.

نکته‌ها

علاوه بر تیم‌های پرستاری و کادر درمان، گروه‌های کوچک و بزرگ داوطلبی در این روزهای پر وحشت تصمیم عجیبی گرفتند؛ تصمیم به مراقبت از بیماران مبتلا به کرونا که احتمالاً به تنهایی نمی‌توانستند از پس این ویروس و غلبه بر آن بر بیایند.

در ۲سال گذشته ۹۰۰دانش‌آموز محروم از گوشی و تبلت را به کمک دیگر داوطلبان سنندج، به چرخه آموزش برگردانده و کلاس‌های درس خصوصی‌شان را با حضور یک تا هفتر از دانش‌آموزان هم‌سن در مساجد، حسینیه‌ها، سرای محله‌ها و یا خانه‌های هلال برگزار کرده است.

در طول ۲هفته که فرد بیمار باید در قرنطینه می‌ماند و نیاز به رسیدگی دائمی داشت، به‌خانه آنها می‌رفتند و خطر ابتلا به بیماری را به جان می‌خردند. حمایت‌های او و دوستان داوطلبش تنها به پرستاری از سالمندان مبتلا به کرونا خلاصه نمی‌شد و به حمایت‌های مالی و معیشتی هم می‌پرداختند

در طول ۲هفته که فرد بیمار باید در قرنطینه می‌ماند و نیاز به

رسیدگی دائمی داشت، به‌خانه آنها می‌رفتند و خطر ابتلا به بیماری را به جان می‌خردند. حمایت‌های او و دوستان داوطلبش تنها به پرستاری از سالمندان مبتلا به کرونا خلاصه نمی‌شد

و به حمایت‌های مالی و معیشتی هم می‌پرداختند

در مقابل، جامعه تاریخ‌محور، جامعه‌ایندولژی‌محور

و جامعه‌ای که ارزش‌های مادی در آن مقدم است، قهرمانانی اسطوره‌ای پرورش می‌دهد و الگوی رفتاری این جامعه هم همین اسطوره‌های تاریخی هستند. افرادی مثل داوطلبان و امدادگران و فعالان این حوزه‌ها در چنین جامعه‌ای نمی‌توانند به یک الگو تبدیل شوند.

برای اینکه بفهمیم یک جامعه تا چه اندازه مصروف‌فر و مادی‌گراست، می‌توانیم به سبک زندگی مورد پسندعموم آن جامعه توجه کنیم؛ حقیقت این است که هم‌اکنون در جامعه ما کالاها، وسایل خانه، نوع پوشش و خلاصه‌ظاهر هر پدیده هر شیعه نسله‌ها و نسله‌ها و نسله‌ها و نسله‌ها آن است. این موضوع حتی در محافل فکری، سیاسی و فرهنگی‌ها هم به چشم می‌خورد. برای مثال، اگر شخصیت برجسته فرهنگی میمان ما شود، بیشترین بخش حواس ما درگیر انواع پذیرایی این فرد بانوشیدنی‌ها و غذاها و شیرینی‌هاست. این یعنی برای ملاقات با چنین فردی در حوزه‌های مادی پنهان می‌بریم. درحالی‌که ممکن است در فرهنگ‌های دیگر، به‌بر مردن آن سواد و تجربه مهمان دعوت شده در آن دیدار ارزش بالاتری به حساب بیاید.

اینکه چشم و هم چشمی در فرهنگ بی نوعی رفتار اجتماعی غالب به شمار می‌رود، نشان‌دهنده انتخاب ارزش‌های مادی در این جامعه است. اینها فقط مثال‌های کوچکی از نه‌ایند بودن ارزش‌های مادی در فرهنگ ماست. این ارزش‌ها ما را به‌جای جمع‌گرایی، به سمت فردگرایی سوق می‌دهد. برای همین است افرادی که کارهایی مثل فعالیت‌های بشناسانه‌روزی و استقرار بیمارستان‌های صحرائی تلاش کردند

بکاهند. «او از خودگذشتگی را مهم‌ترین

خودم هم به‌عنوان فردی داوطلب کار خودی آغاز کردم.»

به مناطق روستایی و حاشیه‌ای شهر سر می‌زند و برای حمایت‌های معیشتی و بهداشتی و درمانی از نیازمندان، راه فرقه‌ای باقی نمی‌گذارد. اهداف خون داوطلبانه و مستمر، به‌خصوص در دوره کرونا که ذخیره بانک خون کشور دچار کمبود می‌شد، از دیگر فعالیت‌های داوطلبانه‌ای است که او سراغشان رفته است.

یادداشت

موسی مرزبان

قهرمان اجتماعی ما کیست؟

واژه «قهرمان» شما را یاد چه کسی می‌اندازد؟ ورز شکاری که نام کشورش را با افتخار به یاد جهان آورده؟ یک هنرمند؟ فردی در کسوت آتش‌نشان یا امدادگر و نا‌جی که جان مردم را نجات می‌دهد؟... فهمیدن این‌که در هر جامعه‌ای چه قشری در دسته قهرمانان قرار می‌گیرند، کار دشواری نیست؛ ارزشگذاری‌های واقعی یک جامعه به سادگی نشان‌دهنده این است که چه کسی را به‌عنوان قهرمان و الگویی برای زندگی انتخاب کرده و مردم دوست دارند این ارزش‌سگذاری را به‌خورد جامعه می‌دهد و تفکر عمومی از یک قهرمان چطور ساخته می‌شود هم، برای خود داستانی طولانی دارد؛ موضوعی که ریشه در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی هر کشوری داشته و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به مردم آموزش داده می‌شود. «قهرمان» مفهومی نسبی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نیازها، سیاست‌ها و... هستند که این واژه را برای هر ملت‌ی تعریف می‌کنند. اصغر مهاجری، جامعه‌شناس، پژوهشگر و استاد دانشگاه در این یادداشت توضیح می‌دهد که چرا افراد با جایگاه اجتماعی مددکار، امدادگر، پرستار، آتش‌نشان و... در بین قهرمانان اجتماعی یا «سلبریتی»‌های ما به‌چشم نمی‌خورند.

یادمان باشد که قهرمانان هر جامعه‌ای، در متن اجتماعی و فرهنگی آن جامعه متولد می‌شوند. گذشته تاریخی، ساختارهای جغرافیایی و ارزش‌هایی که جامعه در‌خود پرورش داده‌وقتی باهم ترکیب می‌شوند، اطلس اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌را می‌سازند.

قهرمانان اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌توانند قهرماناتی از جنس مردم معاصر آن جامعه باشند یا قهرماناتی از گذشته‌های دور‌تر. این انتخاب تا اندازه زیادی به اسطوره‌ها و قهرمانی‌ای که در دوره‌های تاریخی گذشته در آن جامعه متبلور شده هم بستگی دارد. اما در کل جامعه‌ای که ارزش‌های اجتماعی به‌روزی دارد، قهرمانان اجتماعی‌اش به امروز مردم هم نزدیک‌تر است. این جوامع اصطلاحاً اسطوره‌پروری نمی‌کنند و قهرمان‌های آنها، افرادی از بطن همان جامعه به‌شمار می‌روند. حال اگر به ارزش‌های اجتماعی، مقدم‌بودن جامعه‌به‌فرد و جمع‌گرایی و موضوعاتی مثل یاری‌کردن فرهنگ کمک به متنوع را هم اضافه کنیم، قهرمانان جامعه ما به افرادی مثل داوطلبان، ایثارگران و... نزدیک‌تر می‌شوند.

در مقابل، جامعه تاریخ‌محور، جامعه‌ایندولژی‌محور و جامعه‌ای که ارزش‌های مادی در آن مقدم است، قهرمانانی اسطوره‌های پرورش می‌دهد و الگوی رفتاری این جامعه هم همین اسطوره‌های تاریخی هستند. افرادی مثل داوطلبان و امدادگران و فعالان این حوزه‌ها در چنین جامعه‌ای نمی‌توانند به یک الگو تبدیل شوند.

برای اینکه بفهمیم یک جامعه تا چه اندازه مصروف‌فر و مادی‌گراست، می‌توانیم به سبک زندگی مورد پسندعموم آن جامعه توجه کنیم؛ حقیقت این است که هم‌اکنون در جامعه ما کالاها، وسایل خانه، نوع پوشش و خلاصه‌ظاهر هر پدیده هر شیعه نسله‌ها و نسله‌ها و نسله‌ها و نسله‌ها آن است. این موضوع حتی در محافل فکری، سیاسی و فرهنگی‌ها هم به چشم می‌خورد. برای مثال، اگر شخصیت برجسته فرهنگی میمانع ما شود، بیشترین بخش حواس ما درگیر انواع پذیرایی این فرد بانوشیدنی‌ها و غذاها و شیرینی‌هاست. این یعنی برای ملاقات با چنین فردی در حوزه‌های مادی پنهان می‌بریم. درحالی‌که ممکن است در فرهنگ‌های دیگر، به‌بر مردن آن سواد و تجربه مهمان دعوت شده در آن دیدار ارزش بالاتری به حساب بیاید.

اینکه چشم و هم چشمی در فرهنگ بی نوعی رفتار اجتماعی غالب به شمار می‌رود، نشان‌دهنده انتخاب ارزش‌های مادی در این جامعه است. اینها فقط مثال‌های کوچکی از نه‌ایند بودن ارزش‌های مادی در فرهنگ ماست. این ارزش‌ها ما را به‌جای جمع‌گرایی، به سمت فردگرایی سوق می‌دهد. برای همین است افرادی که کارهایی مثل فعالیت‌های بشناسانه‌روزی و استقرار بیمارستان‌های صحرائی تلاش کردند

بکاهند. «او از خودگذشتگی را مهم‌ترین

خودم هم به‌عنوان فردی داوطلب کار خودی آغاز کردم.»

به مناطق روستایی و حاشیه‌ای شهر سر می‌زند و برای حمایت‌های معیشتی و بهداشتی و درمانی از نیازمندان، راه فرقه‌ای باقی نمی‌گذارد. اهداف خون داوطلبانه و مستمر، به‌خصوص در دوره کرونا که ذخیره بانک خون کشور دچار کمبود می‌شد، از دیگر فعالیت‌های داوطلبانه‌ای است که او سراغشان رفته است.